



الهیات اخص فلسفے

دکتر محمود صیدری
ارشد اور دانشگاه شاهد

انتشارات زرنوشت

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه	:	صیدی، محمود، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	:	الهیات اخص فلسفی / محمود صیدی.
مشخصات نشر	:	تهران: زرنوشت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۳ ص.
شابک	:	۲- ۷۶- ۷۱۰۳- ۶۲۲- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۵۱- ۱۵۳.
موضوع	:	الهیات فلسفی
موضوع	:	Philosophical theology
رده‌بندی کنگره	:	BBR۵۷
رده‌بندی دی‌سی	:	۱۸۹/۱
شماره کتابشناختی	:	۶۱۱۶۸۵۵



انتشارات زرنوشت

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی،
کوچه مهدی‌زاده، شماره ۲۷، واحد ۱۹
تلفن: ۰۹۰۲۴۸۶۸۹۵۶ - ۶۶۴۷۹۶۱۵ - ۶۶۴۳۵۶۳۷

www.zarnevsh.com

الهیات اخص فلسفی

محمود صیدی ۱۳۶۳/۱۱/۱۵

• چاپ اول: ۱۳۹۸ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • ناشر: زرنوشت

شابک: ۲- ۷۶- ۷۱۰۳- ۶۲۲- ۹۷۸

قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۰.....	برهان صریح
۱۳.....	برهان و رب و امکان ابن سینا
۱۴.....	برهان حدیثی
۱۶.....	اثبات نور الانوار فلسفه اشراق
۱۸.....	برهان وجود رابط ملا سدر
۲۰.....	برهان بطلان سفسطه علامه طباطبائی
۲۳.....	اثبات وجود خدا در روایات شیعه
۲۷.....	ماهیت نداشتن واجب الوجود
۲۹.....	بسیط بودن واجب الوجود
۳۱.....	واحد بودن واجب الوجود
۳۴.....	واحد بودن نور الانوار
۳۵.....	برهان ملا صدرا در اثبات توحید خداوند
۳۷.....	صفات خداوند
۳۸.....	تقسیم های صفات خداوند
۴۰.....	نظریه های گوناگون در مورد صفات خداوند
۴۱.....	دیدگاه متکلمان اشعری در مورد قدیم و زائد بودن صفات خداوند
۴۳.....	نادرستی دیدگاه متکلمان اشعری در مورد قدیم و زائد بودن صفات خداوند
۴۶.....	نظریه ی معتزله در مورد صفات خداوند
۴۷.....	نظریه ی ملا صدرا در مورد صفات خداوند

۶۱	صفت علم
۶۱	براهین ابن سینا در اثبات علم الهی
۶۲	علم الهی از دیدگاه شیخ اشراق
۶۳	برهان ملاصدرا در اثبات علم الهی
۶۷	عنایت، قضا و قدر
۶۹	اراده و قدرت، خداوند
۷۳	ذاتی یا فاعلی بودن صفت اراده
۷۵	حیات خداوند
۷۷	تعلق اراده خداوند نسبت به همه موجودات
۷۹	نادرستی نظریه جبر
۸۴	تعلق اراده الهی و انسانی به افعال اختیاری
۸۸	منتسب نبودن شرور و نقائص به خداوند
۸۹	ناسازگاری نظریه جبر با عدالت و حکمت خداوند
۹۱	باطل بودن نظریه تفویض معتزله
۹۶	الامر بین الامرین
۹۷	نسبت اراده انسان با قدرت خدا
۱۰۰	قاعده الواحد
۱۰۳	کیفیت صدور کثرات از دیدگاه ابن سینا
۱۰۴	چگونگی صادر شدن کثرات از دیدگاه سهروردی
۱۰۵	صادر شدن موجود بسیط از مرکب
۱۰۶	چگونگی صادر شدن کثرات از دیدگاه سهروردی
۱۰۸	نظریه علامه طباطبائی در مورد کیفیت صدور کثرات
۱۱۰	مثل افلاطونی
۱۱۱	ابطال نمودن نظریه مثل از سوی ابن سینا
۱۱۳	سهروردی و نظریه مثل افلاطونی

۱۲۱.....	براهین ملاصدرا در اثبات مثل افلاطونی
۱۲۶.....	قاعده امکان اشرف
۱۳۰.....	مسأله شر
۱۳۱.....	پاسخ افلاطون از مسأله شرور
۱۳۳.....	پاسخ ارسطو به مسأله شرور
۱۳۵.....	عوالم سه گانه وجودی
۱۳۷.....	عالم ماده
۱۳۹.....	عالم مثال
۱۴۳.....	عالم عقلا
۱۴۵.....	حادث بودن عالم
۱۵۱.....	فهرست منابع

مقدمه

پیدایش و آغاز مباحث فلسفی در عالم اسلام را بایستی از همان دوران آغاز نبوت پیامبر مکرم اسلام (ص) جست و جو کرد. زیرا که نزول آیات قرآن کریم سبب تفکر مخاطبان مسلمان یا غیر مسلمان آن در مورد موضوعات مطرح شده در آن به خصوص در زمینه مبدأ، معاد، الهیات، خدا شناسی و ... گردید.

در اصطلاح فیلسوفان مسلمان مسائل مربوط به خداوند مانند اثبات وجود واجب الوجود، وحدت او، صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند، عمومیت و شمول قدرت و اراده خداوند نسبت به موجودات، جبر یا تفویض در مورد افعال انسانها، خیر و شر، صادر شدن احکامات از واحد حقیقی، عوالم کلی وجود و ... الهیات بالمعنی الاخص نامیده می شود. چنین اصطلاحی در مقابل اصطلاح الهیات بالمعنی الاعم و قسمت مباحث عام فلسفه قرار می گیرد که که امور عامه نامیده می شوند و مجموع الهیات بالمعنی الاعم و الهیات بالمعنی الاخص حکمت الهی یا حکمت علیا یا فلسفه ی اولی را تشکیل می دهند. امور عامه فلسفه عبارت اند از مفاهیم و معانی ای که اختصاص به مرتبه خاصی از موجودات اختصاص ندارد یعنی اتصاف شدن وجوبات به آن مفاهیم متوقف بر این نیست که آن موجود، مرتبه خاصی باشد مانند مباحث وجود و عدم، وجوب، امکان و امتناع، ماهیت، قوه و فعل، حدوث و قدم، وحدت و کثرت، علت و معلول، جوهر و عرض. از نظر فلاسفه مسلمان امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص دو علم یا فن مستقل و جدا هم از نیستند. این دو قسمت مجموعاً یک علم منسجمی را تشکیل می دهند که موضوع واحدی دارند به نام «موجود بما هو موجود» ولی الهیات بالمعنی الاخص اختصاص به مسائل مربوط به خداوند دارد مسائل آن جزء علم دیگر یعنی «علم وجود» می باشد و موضوع آن «موجود بما هو موجود» یا وجود بما هو وجود است. زیرا که مباحث الهیات بالمعنی الاخص جزء احکام و مسائل «موجود بما هو موجود» است. از این جهت مسائل الهیات بالمعنی الاخص مستقیماً از مباحث امور عامه استنتاج و استنباط

می شود همچنانکه روش تحقیق در مسائل الهیات بالمعنی الاخص نیز همان روش تحقیق در امور عامه یعنی روش برهانی و استدلال عقلانی می باشد.^۱

در اینکه آیا مسائل مربوط به واجب الوجود داخل در فلسفه اولی بوده و بخشی از آن محسوب است، یا اینکه علم مستقلی را تشکیل می دهد و جزء فلسفه اولی به شمار نمی رود، میان فلاسفه مسلمان اختلافی است. از دیدگاه علامه طباطبائی این مباحث داخل در مسائل فلسفه اولی می باشد. زیرا این مباحث در حقیقت مسائلی است که به مرحله وجوب و امکان مربوط می باشد. در مرحله وجوب و امکان از تقسیم موجود به واجب الوجود و ممکن الوجود بحث می شود. بنابراین در آن مرحله باید وجود واجب الوجود اثبات گردد. از طرف دیگر، همان گونه که مسأله خواص و احکام ممکن الوجود از مباحث آن مرحله می باشد، خواص و احکام واجب الوجود نیز جزء مسائل آن مرحله است. بنابراین، همه مطالب مربوط به واجب الوجود داخل در فلسفه اولی می باشند. اما به لحاظ اهمیت الهیات بالمعنی الاخص و شرافت داشتن موضوع آن، بخش مستقلی را به آن اختصاص داده شده است. مر چند از دیدگاه ملاصدرا بحث الهیات، علم مستقلی بوده و جدای از فلسفه اولی است: «فها سرع فی طور آخر من الحکمة والمعرفة، وهو تجريد النظر الى ذوات الموجودات و تحقیق وجود «مفارقات و الالهیات، المسمى بمعرفة الربوبية والحكمة الالهية... و هو مشتمل على علمین شریفین: احدهما العلم بالمبدأ، و ثانيهما العلم بالمعاد».^۲

علامه طباطبائی در مورد جرائی اختصاص بخشی جداگانه به مباحث خداشناسی می گوید: «و هي في الحقيقة مسائل متعلقة بمرحلة الوجوب و الإمكان أفردوا للكلام فيها مرحلة مستقلة اهتماما بها و اعتناء بشرافة موضوعها».^۳

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، صص ۴۶۸-۴۶۹.

۲. شیروانی، ترجمه و شرح نهاية الحکمة، ج ۳، صص ۱۹۴-۱۹۳. آدرس عبارت مورد استناد ملاصدرا این است: الحکمة المتعالية فی الاسفار الاربعه، ج ۶، صص ۳ و ۸.

۳. طباطبائی، نهاية الحکمة، ص ۲۷۶.